

بر ساحل ابن شهرآشوب (درنگی در زندگی و کارنامه علمی ابن شهرآشوب)

سید محمود مرعشی نجفی

۱. نام، لقب، کنیه، شهرت

محمد بن علی بن شهرآشوب بن ابی نصر کیاکی بن ابی جیش سرّوی مازندرانی،^۱
ملقب به «رشیدالدین»^۲ و «عزالدین»^۳ و «زین الدین»^۴، معروف به «ابن شهرآشوب»،

۱. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲، أمل الآمل ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، طبقات المفسّرين سیوطی،
ص ۹۶ شماره ۱۱۰، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴، دائرةالمعارف تشیع ۳۳۷/۱، مقدّمه معالم
العلماء، ص ۲، ریحانة الأدب ۵۸/۸.

۲. الوافی بالوفیات ۱۶۲/۴ شماره ۱۷۰۲، أمل الآمل ۲۸۵/۲، شماره ۸۵۱، طبقات المفسّرين
سیوطی، ص ۹۶ شماره ۱۱۰، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴، دائرةالمعارف تشیع ۳۳۷/۱، تقد
الرجال ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، ریحانة الأدب ۵۸/۸، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵،
روضات الجنّات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، منتهی المقال ۱۲۴/۶ شماره ۲۷۶۸، ریاض الجنّة ۲۱۵/۱
شماره ۳۷، اعیان الشیعة ۸۲/۱.

۳. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴.

۴. لؤلؤة البحرين، ص ۳۴۰ شماره ۱۱۳، ریحانة الأدب ۵۹/۸.

برخی کنیه «ابوجعفر»^۱ و برخی کنیه «ابوعبدالله»^۲ را برای او ذکر نموده‌اند. از آنجا که ابن شهر آشوب در تمام علوم اسلامی مهارت کافی داشت، بعد از فقیه و محدث بزرگ شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) که ملقب به «شیخ الطائفه» بود، در میان علمای اسلام فقط ابن شهر آشوب مشهور و ملقب به «شیخ الطائفه» دوم گردید.^۳

۲. محلّ ولادت و تاریخ آن

ولادت او در ماه جمادی الثانی سال ۴۸۸ق، و به قولی سال ۴۸۹ق^۴ بوده، از نسبت «سروی» که به وی و پدر و جدش داده‌اند برمی‌آید که اصل این خاندان از ساری مازندران بوده است، اما اینکه محلّ تولّد ابن شهر آشوب نیز مازندران باشد، نمی‌توان با اطمینان اظهار نظر کرد.^۵

ولی بعضی از محققان برآنند که ابن شهر آشوب در مازندران به دنیا آمده و مقدمات علوم اسلامی را در آنجا فرا گرفته است.^۶ از دیگر سو بعضی بر این عقیده‌اند که پدر و جدّ ابن شهر آشوب در بغداد ساکن بوده و زندگی می‌کردند و جدش شاگرد شیخ طوسی بود. لذا تولّد ابن شهر آشوب در بغداد اتفاق افتاده است.^۷

۱. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲، طبقات المفسّرين سیوطی، ص ۹۶ شماره ۱۱۰، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴، لسان المیزان ۳۹۵/۶ شماره ۷۸۸۹، ریحانة الأدب ۵۸/۸، اعیان الشیعة ۸۲/۱.
۲. دائرة المعارف تشیيع ۳۳۷/۱، مقدّمه معالم العلماء، ص ۲، ریحانة الأدب ۵۸/۸، روضات الجنّات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، خاتمة مستدرک الوسائل ۵۷/۳. در دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴ آمده است: تنها در سند سماع کتاب سلیم بن قیس (ص ۶۳) کنیه او «ابو عبدالله» آمده، و از آنجا وارد منابع متأخر شده است.
۳. مقدّمه معالم العلماء، ص ۲، منتهی المقال ۱۲۵/۶، شماره ۲۷۶۸.
۴. مقدّمه معالم العلماء، ص ۳، ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۲۷.
۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۹۰.
۶. دائرة المعارف تشیيع، ج ۱، ص ۳۳۷.
۷. مقدّمه معالم العلماء، ص ۳.

۳. تحصیلات و سفرهای علمی

ابن شهر آشوب از کودکی به تحصیل علم پرداخت، چنان که در هشت سالگی قرآن را از بر داشته است،^۱ و از این رو او را «حافظ» (حافظ قرآن) لقب دادند.^۲ ابن شهر آشوب بعد از فراگیری قرآن و دروس مقدماتی و ادبی، به تحصیل علوم و معارف دینی مثل فقه و اصول، حدیث، رجال، کلام و تفسیر پرداخت. آغاز و انجام تحصیلات عالی او دقیقاً معلوم نیست، اما همین قدر معلوم است که در نزد پدر و جدش و بزرگانی چون شیخ طبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان و عبدالواحد آمدی، صاحب غررالحکم و قطب الدین راوندی، سطوح عالی علم و ادب را گذراند. وی در راه کسب علم و معرفت و برای استفاده از محضر دانشوران بزرگ شیعه سالها از این شهر به آن شهر، و از دیاری به دیار دیگر در حال مهاجرت بوده است. درباره سفرهای علمی وی به این نکته اشاره شده که به دنبال درگیری با حکمران مازندران، آن دیار را ترک کرده و رهسپار بغداد شده است. ورود او به بغداد در ایام خلافت مقتفی (۵۳۰-۵۵۵ق) بود. وی در این شهر به وعظ و مناظره پرداخت و نزد خلیفه منزلتی یافت، اما پس از مدتی اقامت در بغداد آن شهر را ترک کرده، به موصل و سپس به حلب رفت. از بررسی مشایخ ابن شهر آشوب در مقدمه مناقب آل ابی طالب وی برمی آید که پیش از ترک مازندران سفرهایی به خراسان کرده است. از استماع وی از فتال - که در ۵۰۸ق در گذشته - می توان نتیجه گرفت که ابن شهر آشوب اندکی پیش از این تاریخ در نیشابور بوده است. همچنین استماع وی از شحّامی و روایت مسند ابویعلی از او، با عنایت به اینکه شحّامی روایت مسانید را از حدود ۵۱۳ق در نیشابور آغاز کرده و تا هنگام وفات (۵۳۳ق) ادامه داده است، می توان دریافت که وی در این اثنا سفری دیگر به نیشابور کرده است.

۱. الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۱۶۴، شماره ۱۷۰۲، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۹۰.

۲. مقدمه معالم العلماء، ص ۳.

روایت مستقیم *الكشاف* زمخشری و مجمع *البیان* طبرسی نشان می‌دهد که وی در فاصله سال‌های ۵۲۸-۵۳۸ق بین تألیف *الكشاف* و وفات زمخشری ظاهراً در خوارزم با وی ملاقات کرده و نیز پس از ۵۳۶ق، سال فراغ طبرسی از تألیف مجمع *البیان*، در سبزوار با او دیدار کرده است. همچنین از استماع وی از ابوالحسن بیهقی و شوهانی برمی‌آید که وی در بیهق و مشهد نیز بوده است.

ابن شهر آشوب سفرهایی نیز به مناطق مرکزی ایران کرده که به احتمال قوی در مسیر وی از مازندران به بغداد بوده است. زیرا استماع وی از ابوالفتوح رازی، سید فضل‌الله راوندی، ابوشکر صفار و ابوالعلاء همدانی و بعضی دیگر از مشایخ مذکور در مقدمه *مناقب آل ابی طالب* نشان می‌دهد که وی ظاهراً و در مواردی مطمئناً به ری، کاشان، اصفهان و همدان سفر کرده و از این قراین متعدد از جمله این نکته که ابوالعلاء تنها در فاصله ۵۴۶-۵۴۸ق در همدان بوده، برمی‌آید که این دوره سفر در حوالی ۵۴۷ق بوده است.

ابن شهر آشوب ظاهراً در حوالی همین سال پس از ترك همدان وارد بغداد شده است. به هر حال ورود وی به بغداد چنانکه گذشت، در دوران خلافت مقتفی بوده است. استماع وی از ابوالوقت سجزی نشان می‌دهد که وی تا سال‌های ۵۵۲-۵۵۳ق در این شهر ساکن بوده،^۱ و ظاهراً تا زمان خلافت مستضیء نیز در بغداد زیسته است. در دوران خلافت مستضیء (۵۶۶-۵۷۴ق) به سبب سعی این خلیفه در گسترش عقاید و افکار حنبلی و اقتدار علمای حنبلی، بغداد دیگر مکان مناسبی برای ادامه فعالیت ابن شهر آشوب نبود. از این رو در اوایل خلافت مستضیء به حله رفت و در ۵۶۷ق در آنجا به تدریس پرداخت. و ظاهراً در همین سفر ابن‌ادریس و ابن‌بطریق از وی حدیث شنیده‌اند.

سفر او به موصل ظاهراً به هنگام وزارت جلال‌الدین ابوالحسن علی بن محمد در ۵۷۱ق صورت گرفته است، و احتمالاً با عزل او از وزارت در ۵۷۳ق ابن شهر آشوب موصل را به مقصد حلب که از زمان همدانیان پناهگاه شیعیان شده بود، ترك کرد.^۲

۱. *مناقب آل ابی طالب*، ج ۱، ص ۶.

۲. *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۹۰-۹۱.

۴. اساتید و مشایخ روایت و اجازه نقل حدیث

ابن شهر آشوب درس استادان بسیاری را درک کرده و نزد بسیاری از بزرگان علم و ادب قرن ششم علم آموخته، و از بسیاری از دانشمندان اجازه نقل حدیث و روایت داشته است، از جمله:

۱. احمد بن علی ابوفتّاح رازی.

شیخ حرّ عاملی درباره اش می نویسد:

او عالم، فاضل و فقیه بوده، ابن شهر آشوب از او روایت می کند.^۱

۲. احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی ابومنصور، معروف به شیخ طبرسی صاحب الاحتجاج.^۲
ابن شهر آشوب در کتاب هایش به ویژه در کتاب رجالی خود (معالم العلماء) به بزرگی از او یاد کرده، و درباره اش می نویسد:

استادم احمد بن ابی طالب طبرسی کتاب های مختلفی دارد، از جمله: الکافی در

فقه که کتاب خوبی است، و الاحتجاج، مفاخرة الطالبیة، تاریخ الأئمة علیهم السلام،

فضائل الزهراء علیها السلام و کتاب الصلاة.^۳

و در کتاب مناقب آل ابی طالب می نویسد:

کتاب احتجاج طبرسی را به خطّ وی یافتیم.^۴

کتاب احتجاج وی که مشتمل بر روایاتی از ائمه اطهار علیهم السلام در مناظره با مخالفان خود می باشد، یکی از بهترین و معتبرترین کتاب های شیعی، و مورد استفاده عموم دانشمندان - به ویژه علمای علم کلام - است.

۳. احمد بن محمد غزالی.^۵

۱. أمل الآمل ۱۸/۲، شماره ۴۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۶/۳، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۳.

۲. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۷/۵، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۰/۳، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱.

لؤلؤة البحرین ص ۳۴۱، شماره ۱۱۴، ریحانة الأدب ۵۹/۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۰ و ۱۲.

۳. معالم العلماء، ص ۲۵، شماره ۱۲۵.

۴. مناقب آل ابی طالب ۱۲/۱.

۵. مناقب آل ابی طالب ۹/۱، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۵/۵، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

۴. ابو جعفر بن کمیح. اسناد ابن شهر آشوب به کتاب‌های شیخ مفید، از طریق این شخص، از پدرش، از ابن براج، از شیخ مفید می‌باشد.^۱
۵. حسن استرآبادی عمادالدین قاضی ابو محمد.
عبدالله افندی درباره وی می‌نویسد:
فاضل، عالم، فقیه، جلیل، و از مشایخ ابن شهر آشوب است.^۲
۶. حسین بن احمد بن طحال مقدادی ابو عبدالله.
شیخ حرّ عاملی درباره‌اش می‌نویسد:
او عالمی جلیل بوده، ابن شهر آشوب از او روایت می‌نماید.^۳
۷. حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی رازی نیشابوری جمال‌الدین، معروف به ابوالفتوح رازی (م ۵۵۲ق)، صاحب تفسیر *روض الجنان وروح الجنان*.^۴
وی از دانشوران و مفسران بزرگ شیعی در قرن ششم هجری و یکی از اساتید معروف ابن شهر آشوب می‌باشد. کتاب تفسیر او به زبان فارسی از تفاسیر قدیم شیعه و در شمار بهترین تفاسیر قرآن و آثار کهن زبان فارسی است. گفته شده فخر رازی بخشی از تفسیر خود را از تفسیر ابوالفتوح گرفته است.^۵
۸. داعی بن رضا بن محمد حسینی ابوالفضل، صاحب کتاب *آثار الأبرار وأنوار الأخیار*.^۶
۹. داعی بن علی بن حسن حسینی، سید ابوالفضل، معروف به «ابوالفضل داعی».^۷

-
۱. مناقب آل ابی طالب ۱/۱۲، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۹۰، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۶.
۲. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱/۱۵۹، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۹۶، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۸.
۳. أمل الآمل ۲/۹۰، شماره ۲۴۰، مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱۱، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۶۹، دائرة المعارف تشیع ۱/۳۳۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۸.
۴. معالم العلماء، ص ۱۴۱، شماره ۹۸۷، مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱۱، ریحانة الأدب ۸/۵۹، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۷۲.
۵. دائرة المعارف تشیع ۱/۳۳۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۱ و ۱۵.
۶. دائرة المعارف تشیع ۱/۳۳۸.
۷. مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱۱، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۶۷، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۳.

۱۰. سیّد ذوالفقار بن محمّد بن معبد بن حسن بن ابی جعفر، عمادالدین ابو صمصام و ابو وضّاح، از تلامیذ سیّد مرتضی و شیخ طوسی.^۱
۱۱. زید بن حسین ابوالقاسم بیهقی (م ۵۱۷ق)، صاحب حلیه الأشراف.^۲
۱۲. سعید بن هبة الله بن حسن ابوحسین راوندی، معروف به «قطب الدین راوندی» (م ۵۷۳ق)،^۳ صاحب شرح نهج البلاغة و خرائج و جرائح و قصص الأنبياء و فقه القرآن و لبّ اللباب و الدعوات، و کتاب های دیگر.
- ابن شهر آشوب درباره وی می نویسد:
- استادم ابوالحسین سعید بن هبة الله راوندی دارای تألیفات زیادی است، از جمله: ضیاء الشهاب، مشکلات النهاية و جنی الجنتین فی ذکر العسکریین.^۴
۱۳. شهر آشوب بن ابی نصر کیاکی، جدّ ابن شهر آشوب، چنانچه ابن شهر آشوب در اوّل کتاب مناقب آل ابی طالب به آن تصریح نموده است.^۵
۱۴. عبدالجلیل بن عیسی بن عبدالوهّاب رازی قزوینی ابوسعید، صاحب کتاب مراتب الأفعال، نقض کتاب التصفّح ابوحسین.^۶
- ابن شهر آشوب درباره وی می نویسد:
- استاد بزرگوار من عبدالجلیل بن عیسی بن عبدالوهّاب رازی دارای کتاب معروفی است به نام النقض، که این کتاب ناقم مانده است.^۷

-
۱. خاتمة مستدرک الوسائل ۹۱/۳ و ۱۱۴، دائرة المعارف تشیّع ۳۳۸/۱، مقدّمه معالم العلماء، ص ۱۶.
۲. معالم العلماء ص ۵۱، شماره ۳۴۳، مناقب آل ابی طالب ۱۲/۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۱۰۲/۳، مقدّمه معالم العلماء، ص ۲۰.
۳. ریحانة الأدب ۵۹/۸، خاتمة مستدرک الوسائل ۷۹/۳، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴، دائرة المعارف تشیّع ۳۳۸/۱، مقدّمه معالم العلماء، ص ۱۱ و ۱۵.
۴. معالم العلماء، ص ۵۵، شماره ۳۶۸.
۵. مناقب آل ابی طالب ۹/۱ و ۱۰ و ۱۲، أمل الآمل ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱، روضات الجنّات ۲۹۱/۶ شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۶/۳.
۶. مناقب آل ابی طالب ۱۱/۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۷/۳، مقدّمه معالم العلماء، ص ۱۳.
۷. معالم العلماء، ص ۱۴۵، شماره ۱۰۲۱.

۱۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، سید ناصح الدین ابوالفتح (مولود ۵۱۰ق)، صاحب کتاب *غررالحکم ودرر الکلم*، ابن شهر آشوب در کتاب *مناقب آل ابی طالب* از این استادش چنین یاد می‌کند:
- آمدی، نقل روایت از کتاب «*غررالحکم و درر الکلم*» را به من اجازه داد.^۱
۱۶. علی بن ابی القاسم زید بن الحسین ابوالحسن بیهقی، معروف به «فربد خراسان» (م ۵۶۵ق)، صاحب *تاریخ بیهق*، نخستین شارح *نهج البلاغه*.^۲
۱۷. علی بن شهر آشوب، پدر ابن شهر آشوب.^۳
- شیخ حرّ عاملی درباره‌اش می‌نویسد:
- فاضل و عالم، پسرش محمد از او روایت می‌کند، و فقیه و محدث بوده است.^۴
۱۸. علی بن علی بن عبدالصمد ابوالحسن رکن الدین سبزواری نیشابوری تمیمی، روایت حرز مشهور امام جواد علیه السلام به وی منتهی می‌شود.^۵
- شیخ حرّ عاملی از او چنین یاد می‌کند:
- فاضل و عالم، ابن شهر آشوب از او روایت می‌کند.^۶
۱۹. فضل بن حسن بن فضل ابوعلی طبرسی (م ۵۴۸ق)، صاحب *تفسیر مجمع البیان*.^۷
-
۱. *مناقب آل ابی طالب* ۱/۱۲، *معالم العلماء*، ص ۸۱، شماره ۵۴۹، *دائرة المعارف تشیع* ۱/۳۳۸، *خاتمه مستدرک الوسائل* ۳/۹۱، *مقدمه معالم العلماء*، ص ۱۷.
۲. *خاتمه مستدرک الوسائل* ۳/۹۹، *معالم العلماء*، ص ۵۱، شماره ۳۴۳ در شرح حال پدرش، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۴/۹۱، *دائرة المعارف تشیع* ۱/۳۳۸، *مقدمه معالم العلماء*، ص ۱۸.
۳. *مناقب آل ابی طالب* ۱/۱۱۱، *روضات الجنّات* ۶/۲۹۱، شماره ۵۸۵، *ریاض الجنّة* ۱/۲۱۶، شماره ۳۷، *خاتمه مستدرک الوسائل* ۳/۶۶.
۴. *أمل الآمل* ۲/۱۹۰، شماره ۵۶۴.
۵. *مناقب آل ابی طالب* ۱/۱۱۱، *تقد الرجال* ۴/۲۷۶، شماره ۴۹۳۱، *خاتمه مستدرک الوسائل* ۳/۶۳، *مقدمه معالم العلماء*، ص ۱۲.
۶. *أمل الآمل* ۲/۲۸۶، شماره ۸۵۱.
۷. *ریحانة الأدب* ۸/۵۹، *خاتمه مستدرک الوسائل* ۳/۶۹، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۴/۹۱، *دائرة المعارف تشیع* ۱/۳۳۸، *مقدمه معالم العلماء*، ص ۱۱.

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب می نویسد:

طبرسی به من خبر داده (و اجازه روایت داده است) به تفسیر مجمع البیان
لعلوم القرآن و إعلام الوری بأعلام الهدی.^۱

و همچنین در معالم العلماء می نویسد:

استادم ابوعلی طبرسی، کتابهایی دارد، از جمله: مجمع البیان فی معانی القرآن، که
کتاب خوبی است، و الکاف الشاف من الکشاف، و النور المبین، و الفائق، که کتاب
خوبی است، و إعلام الوری بأعلام الهدی، و الآداب الدینیة للخزانة المعینیة.^۲

۲۰. فضل الله بن علی بن عبیدالله حسنی، سید ضیاءالدین ابوالرضا راوندی کاشانی

(م ۵۶۲ق).^۳

او از تبار پاک حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و از علمای بزرگ شیعه در قرن
ششم هجری بود، که در کاشان سکونت داشت. شیخ حرّ عاملی درباره وی می نویسد:
او علّامه زمان خود بود که میان علوّ نسب، و کمال فضل و حسب را جمع
کرده بود، او استاد دانشمندان عصر خود بود، دارای کتابهایی است، از
جمله: ضوء الشهاب فی شرح الشهاب، و نظم العروض للقلوب المروض
و الحماسة و الکافی فی علم العروض، و القوافی، و النوادر، و أدعیة السّر،
و کتابهای دیگر.^۴

حافظ ابو عبدالله عبدالکریم سمعانی مروزی شافعی (م ۵۶۲ق)، درباره ملاقات

خود با سید ضیاءالدین در شهر کاشان، در کتاب الأنساب می نویسد:

مردم کاشان همه شیعه بودند. چون به آنجا رسیدم دو روز توقّف کردم و
در این مدت دو روز به ملاقات گروهی از علما موفّق شدم؛ از جمله

۱. مناقب آل ابی طالب ۱۱/۱ و ۱۲.

۲. معالم العلماء، ص ۱۳۵، شماره ۹۲۰.

۳. مناقب آل ابی طالب ۱۱/۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۱۰۴/۳، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، مقدمه

معالم العلماء، ص ۲۱.

۴. أمل الآمل ۲۱۷/۲، شماره ۶۵۲.

سید فاضل ابوالرضا فضل‌الله...، وقتی در خانه او رسیدم لحظه‌ای درنگ کردم، چشمم به سر در خانه افتاد که آیه شریفه تطهیر بر آن نقش شده بود: ﴿إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهَ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^۱، روایات و احادیثی از او شنیدم و نوشتیم، و همچنین قطعه‌هایی از اشعارش.^۲

۲۱. ابوالقاسم بن کمیح.

اسناد ابن شهر آشوب به کتاب‌های شیخ مفید از طریق این شخص، از پدرش، از ابن براج، از شیخ مفید می‌باشد.^۳

۲۲. محمد بن احمد ابوعبدالله نطنزی، سنی مذهب، صاحب کتاب *الخصائص العلویة علی سائر البریة*.

ابن شهر آشوب در کتاب‌های خود، این دانشمند و آثارش را معرفی کرده است، وی در کتاب *مناقب آل ابی طالب* می‌گوید:

ابوعبدالله محمد بن احمد نطنزی کتاب *خصائص العلویة* را به من داد.^۴

و همچنین در کتاب *معالم العلماء* می‌نویسد:

ابوعبدالله محمد بن احمد نطنزی، سنی مذهب، صاحب کتاب *الخصائص العلویة علی سائر البریة* و کتاب *المآثر العلویة لسید الذریة*.^۵

۲۳. محمد بن حسین بن جعفر شوهانی ابوجعفر، ساکن مشهد الرضا علیه السلام.^۶

شیخ حرّ عاملی درباره وی می‌نویسد:

شیخ عقیف... فقیه، صالح، ثقه.^۷

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. *الأنساب* ۴/۴۲۶: «القاسانی».

۳. *مناقب آل ابی طالب* ۱/۱۲، *خاتمة مستدرک الوسائل* ۳/۹۰، *مقدمه معالم العلماء*، ص ۱۶.

۴. *مناقب آل ابی طالب* ۱/۱۱۱، *مقدمه معالم العلماء*، ص ۸.

۵. *معالم العلماء*، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۰.

۶. *مناقب آل ابی طالب* ۱/۱۱۱، *الفوائد الطریفة* ص ۵۷۵، *خاتمة مستدرک الوسائل* ۳/۶۱، *مقدمه*

معالم العلماء، ص ۱۲.

۷. *أمل الآمل* ۲/۲۶۷، شماره ۷۷۵.

۲۴. محمد بن حسن بن علی بن احمد بن علی ابوعلی فتّال، واعظ نیشابوری (شهیید ۵۰۸ق)، صاحب کتاب روضة الواعظین و کتاب‌های دیگر، معروف به «فتّال» و «ابن فارسی»^۱.
- ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب می‌نویسد:
فتّال کتاب‌های التّنویر فی معانی التفسیر و روضة الواعظین و بصیرة المتعظین را برای من [خواند] و حدیث نمود.^۲
۲۵. محمد بن علی بن عبدالصمد نیشابوری.^۳
شیخ حرّ عاملی درباره وی می‌نویسد:
فاضل، جلیل، و از مشایخ ابن شهر آشوب است.^۴
۲۶. محمد بن علی بن حسن حلبی.^۵
شیخ حرّ عاملی درباره او می‌نویسد:
او فاضل و ماهر بوده، و از مشایخ ابن شهر آشوب می‌باشد.^۶
۲۷. محمد بن فضل طبرسی ابوعلی.^۷
شیخ حرّ عاملی درباره‌اش می‌نویسد:
او عالم، صالح و عابد بوده است. ابن شهر آشوب از او روایت می‌نماید.^۸
۲۸. محمود بن عمر بن محمد بن احمد ابوالقاسم جارالله زمخشری خوارزمی معتزلی (م ۵۳۸ق).^۹

۱. معالم العلماء ص ۱۱۶، شماره ۷۶۹، خاتمة مستدرک الوسائل ۹۸/۳، دائرة المعارف تشیّع ۳۳۸/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۸.

۲. مناقب آل ابی طالب ۱۲/۱.

۳. مناقب آل ابی طالب ۱۱/۱، نقد الرجال ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۴/۳، مقدمه معالم العلماء، ص ۶۴.

۴. أمل الآمل ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱.

۵. مناقب آل ابی طالب ۱۱/۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۲/۳، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۲.

۶. أمل الآمل ۲۸۲/۲، شماره ۸۴۰.

۷. خاتمة مستدرک الوسائل ۶۸/۳، دائرة المعارف تشیّع ۳۳۸/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۴.

۸. أمل الآمل ۲۹۳/۲، شماره ۸۸۱.

۹. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۵/۵، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴، دائرة المعارف تشیّع ۳۳۸/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۸.

او کتاب‌های خود از جمله تفسیر الکشاف و الفائق فی غریب الحدیث و ربیع الأبرار را برای ابن شهر آشوب قرائت نموده و به وی اجازه روایت کتاب‌هایش را داده است.^۱

۲۹. مسعود بن علی بن محمد صوابی ابوالحسن.^۲

شیخ حرّ عاملی درباره‌اش می‌گوید:

او فقیه، صالح، جلیل و از مشایخ ابن شهر آشوب است.^۳

۳۰. منتهی بن ابی‌زید بن کیابکی حسینی جرجانی (م ۵۱۶ق).^۴

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی‌طالب در ذکر طرق خود به کتاب‌های شیخ طوسی از وی نام برده است.^۵

۳۱. مهدی بن ابی‌حرب حسینی جرجانی، شیخ طبرسی صاحب احتجاج.

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی‌طالب بدین مطلب تصریح نموده است.^۶

۳۲. موفّق بن احمد بن محمد مکی، ابوالمؤید خطیب خوارزم.

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی‌طالب می‌نویسد:

موفّق بن احمد مکی خطیب خوارزم، کتاب الأربعین را برای من نوشت.^۷

نکته قابل توجه اینکه ابن شهر آشوب در مقدمه کتاب مناقب آل ابی‌طالب طرق روایت خود به کتاب‌های دانشمندان اهل سنت را ذکر نموده، سپس طرق روایت خود به کتاب‌های علما و بزرگان شیعه را بیان نموده است، همانند شیخ مفید، شیخ طوسی، سید رضی، سید مرتضی، شیخ صدوق، کلینی، ابن شاذان، ابن فضال، ابن ولید، ابن حاشر، علی بن ابراهیم، حسن بن حمزه، صفوانی، عبدکی و فلکی، سپس می‌نویسد:

۱. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۱۱۱، ریحانة الأدب ۵۲/۸.

۲. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۱۱۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۸/۳ در آن «صوابی» آمده، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۴ در آن «صوابی» آمده.

۳. أمل الآمل ۳۲۲/۲، شماره ۹۹۰.

۴. خاتمة مستدرک الوسائل ۹۰/۳، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۶.

۵. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۱۲۱.

۶. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۹ و ۱۰، خاتمة مستدرک الوسائل ۹۹/۳، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۸.

۷. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۱۱۱، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

فتال، برایم حدیث نمود (و به من اجازه داد نقل اخبار و مطالب) کتاب التنبیر فی معانی التفسیر» و کتاب روضة الواعظین و بصیرة المتعظین را. طبرسی به من خبر داد (و اجازه داد نقل کتاب) مجمع البیان لعلوم القرآن و کتاب اعلام الوری بأعلام الهدی را. ابوالفتوح کتاب روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن را به من اجازه داده است.

بیهقی کتاب حلیة الأشراف را به من داد (و اجازه داد که آن را روایت نمایم). آمدی روایت کتاب غرر الحکم و درر الکلم را به من اذن داده است. کتاب احتجاج طبرسی را به خطّ وی دیده (و مورد استفاده قرار داده‌ام). تازه همه اینها جزئی از کلّ است، و در عین حال خدا می‌داند با آن همه نعمت‌هایی که برایم ارزانی کرده است به ناتوانی خود معترفم و همان گویم که ابوالجوائز گفت:

رویت و ما رویت من الروایة و کیف و ما انتهیت إلى نهاية
و للاعمال غایات تناهی و إن طالت و ما للعلم غایة^۱
- از همه گونه روایات بهره‌مند گردیده (و احادیث و اخبار را) روایت نمودم،
در عین حال سیراب نشده و به نهایت منظور خود نایل نشده‌ام.
- زیرا برای همه کارها - اگرچه زیاد و فراوان باشند - نهایتی است جز برای
دانش که نهایتی متصور نمی‌باشد.

۵. شاگردان و راویان

ابن شهر آشوب حدود صد سال زیسته و در مازندران و بغداد و حلب به تعلیم و تدریس اشتغال داشته و شاگردان بسیاری تربیت نموده است. از شاگردان و راویان وی می‌توان افراد ذیل را نام برد:

۱. ابن‌ادریس حلّی.^۲

۱. مناقب آل ابی طالب ۱/۶-۱۲.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

۲. ابن بطریق حلّی.^۱
۳. حسن بن علی دربی تاج‌الدین.^۲
۴. سید کمال‌الدین حیدر بن محمد بن زید بن محمد بن عبدالله حسینی.
عبدالله افندی درباره او می‌نویسد:
این عالم بزرگ شیعه در سال ۵۷۰ق موفّق به کسب اجازه حدیث از
استادش ابن شهر آشوب شده است.^۳
۵. علی بن شعره حلّی جامعانی جمال‌الدین ابوالحسن.
ابن شهر آشوب با خطّ خود در نقل تمام تألیفاتش، از جمله *معالم العلماء* به او
اجازه داده و مورد ستایش قرار گرفته است. تاریخ آن اجازه ۱۵ جمادی الثانی سال
۵۸۱ق می‌باشد.
- از تاریخ آن اجازه‌نامه معلوم می‌شود که ابن شهر آشوب کتاب *معالم العلماء* را
قبل از سال ۵۸۱ق نوشته است. و چون در این کتاب نام استادش قطب‌الدین
راوندی را ذکر کرده است و او هم در سال ۵۷۳ق دار فانی را وداع نموده، روشن
می‌شود که کتاب *معالم العلماء* بعد از سال ۵۷۳ق تألیف شده است.^۴
۶. سید محمد بن ابی القاسم عبدالله بن علی بن زهره حسینی حلّی، ابوحامد
نجم‌الدین (متوفای پس از سال ۵۸۵ق).
وی صاحب کتاب *الأربعین* می‌باشد که درباره حقوق برادران دینی نوشته شده
است، شهید ثانی از این کتاب رساله امام صادق علیه السلام به نجاشی والی اهواز را نقل
می‌نماید. او نوه دختری ابن ادریس حلّی صاحب کتاب *سرائر* است.^۵
۷. یحیی بن ابی طی حلّی.
ابن حجر عسقلانی درباره وی می‌نویسد:

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.
۲. مقدمه مجارالأنوار، ص ۱۱۲، ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۴۹.
۳. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۶/۵، ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۵۰.
۴. مقدمه معالم العلماء، ص ۷.
۵. أمل الآمل ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱، تقد الرجال ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۷،
دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴، مقدمه مجارالأنوار، ص ۱۱۲.

او از شاگردان ابن شهر آشوب مازندرانی بود و فقه را از وی فراگرفت.^۱

۸. شیخ یحیی بن محمد بن یحیی بن فرج سوراوی.^۲

۶. ابن شهر آشوب از نگاه دانشمندان شیعه

ابن شهر آشوب از مفاخر علمای امامیه و مشایخ جلیل القدر، مفسر، محدث و ادیب بوده، تبحر وی در علوم قرآنی و حدیث و رجال از آثار بازمانده وی به خوبی آشکار است.

گرچه او کتابی شناخته شده در فقه و اصول نداشته، لیکن در این دو رشته، اطلاع گسترده‌ای داشته است، چنانکه شاگردانش وی را اغلب با لقب «فقیه» یاد می‌کردند.

او در شعر نیز دستی داشت، و این مطالب از توجه به گزیده‌های شعر موجود در کتاب مناقب آل ابی طالب و نیز از خاتمه معالم در ذکر شعرای اهل بیت به خوبی روشن است. وی خود نیز شعر می‌سروده و اشعاری در فضائل ائمه: به طور پراکنده، در کتاب مناقب آل ابی طالب آورده است.

از حیث توثیق رجالی تا سده ۱۱ هجری درباره وی سکوت شده و در این سده میرداماد اجتهاداً وی را توثیق کرد، و پس از آن در کتب رجالی مکرراً به توثیق وی پرداخته شده است.^۳

گفته‌ها و سخنان و اظهار نظرهای دانشمندان اسلامی چراغی است که در پرتو آن، شخصیت علمی و شأن و منزلت معنوی بزرگانی چون ابن شهر آشوب را بهتر می‌توان شناخت، پس با بررسی گفتار آنان به عظمت روحی و مقام علمی و معنوی ابن شهر آشوب بیشتر پی می‌بریم.

۱. دانشمند بزرگ اسلامی و فقیه رجالی، علماً مه میر مصطفی حسینی تفرشی

(م ۱۰۲۱ق) می‌نویسد:

۱. لسان المیزان ۲۶۳/۶، ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۴۹.

۲. مقدمه مجارالأنوار، ص ۱۱۲، ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۴۹.

۳. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

- رشیدالدین محمد بن علی بن شهرآشوب مازندرانی، پیشوای طایفه شیعه و فقیه آنان، شاعری بلیغ، و نویسنده بود، و دارای تألیفاتی است.^۱
۲. محدث نامی، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق) می‌گوید:
- ابن شهرآشوب عالم، فاضل، ثقه، محدث، محقق، عارف به علم رجال و اخبار و احادیث، شاعر و ادیب و جامع همه خوبی‌ها بود، و دارای کتاب‌هایی است.^۲
۳. عالم بزرگ، میرزا عبدالله افندی (م ۱۱۳۰ق) همانند شیخ حرّ عاملی او را توصیف می‌نماید.^۳
۴. محدث توانا، شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق) می‌نویسد:
- ابن شهرآشوب دانشمندی فاضل و محدث و محقق بود، او در فنّ علم رجال، تاریخ و اخبار، مهارت خاصی داشت... و دارای اوصاف جمیل بود.^۴
۵. رجالی خبیر، ابوعلی حائری، دانشمند بلندآوازه (م ۱۲۱۵ق)، پس از نقل سخن علامه تفرشی و استادش وحید مهبهانی می‌نویسد:
- ابن شهرآشوب (بعد از شیخ طوسی) شیخ الطائفه است، و پایه فضل او گفتگو ندارد؛ چنان که جمعی از استادان تصریح به این معنا کرده‌اند، و میرداماد در کتاب خود *رواشح سماویه* تصریح به وثاقت وی نموده است.^۵
۶. محقق بزرگ رجالی، میرزا محمدحسن زنوزی (م ۱۲۱۸ق) می‌گوید:
- محمد بن علی بن شهرآشوب... عالم، فاضل، ثقه، محدث، عارف به علم رجال و اخبار و احادیث، ادیب توانا، شاعر ماهر و دارای همه خوبی‌ها بود، وی صاحب تألیفاتی است.^۶
۷. تراجم‌نگار شهیر، محمدباقر خوانساری (م ۱۳۱۳ق) می‌نویسد:

۱. *تقد الرجال* ۲۷۶/۴، شماره ۴۹۳۱.

۲. *أمل الآمل* ۲۸۵/۲، شماره ۸۵۱.

۳. *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* ۱۲۴/۵.

۴. *لؤلؤة البحرين*، ص ۳۴۰-۳۴۱، شماره ۱۱۲.

۵. *منتهی المقال* ۱۲۴/۶-۱۲۵، شماره ۲۷۶۸.

۶. *ریاض الجتة* ۲۱۶/۱، شماره ۳۷.

ابن شهر آشوب عالمی فاضل و معتمدی محدث و محقق بود، از فن رجال و تاریخ و اخبار کاملاً اطلاع داشت، و ادیبی شاعر و دارای همه خوبی‌ها بود، و دارای کتاب‌هایی است.^۱

۸. علامه منتبّع، حاج میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق) می‌نویسد:

فخر شیعه و تاج شریعت، افضل الأوائل و دریای متلاطم ژرفی که ساحل ندارد، احیاکننده آثار مناقب و فضائل، رشید الملة والدین، شمس الاسلام و المسلمین، ابن شهر آشوب، فقیه، محدث و مفسر و محقق و ادیب عالیقدر و جامع فنون فضائل، صاحب کتاب مناقب که از گنجینه‌های شیعه است.^۲

۹. محقق رجالی، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی می‌گوید:

محمد بن علی بن شهر آشوب... از اهالی ساری مازندران و از مفاخر علمای امامیه و مشایخ شیعه او آخر قرن ششم هجری می‌باشد که فقیهی است محدث، رجالی متکلم، ادیبی نحوی، مفسر، واعظی محقق، شاعر منشی بلیغ، جامع فنون فضائل و کنیر المشایخ... علاوه بر علمای رجال شیعه، علمای عامه نیز او را تجلیل و تبجیل کرده، و به شرح حال او پرداخته، و با صدوق اللهجة و ملیح المحاوره بودن و کثرت علم و عبادت و خشوع و تهجد و دائم الطهاره [بودنش او را] ستوده‌اند.^۳

۱۰. در کتاب نامه دانشوران آمده است:

ابن شهر آشوب... از طایفه امامیه و از مشایخ آن سلسله جلیله است. در بازار حدیث دانی و رجالشناسی صرافی بی‌مانند... و به علو قدر و شرح صدر و خضوع قلب، ممتاز و مستثنا بود، و در علوم ادبیه و رسوم ترسیل نامه‌نویسی و آداب شعر در شمار فحول علما و ارکان ادبا معدود گشت.^۴

۱. روضات الجنات ۲۹۰/۶، شماره ۵۸۵.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۵۶/۳-۵۷.

۳. ریحانة الأدب ۵۸/۸-۵۹.

۴. نامه دانشوران، ج ۱، ص ۵۳۰.

۷. ابن شهر آشوب از نگاه دانشمندان اهل سنت

دانشمندان و بزرگان اهل تسنن به گونه‌ای از ابن شهر آشوب تجلیل نموده و به بزرگی یاد کرده‌اند، که کمتر در حق کسی از علمای شیعه چنین کرده‌اند.

۱. صلاح‌الدین صفدی (م ۷۶۴ق)، یکی از عالمان بزرگ اهل سنت می‌نویسد:

محمد بن علی بن شهر آشوب... یکی از سرشناسان شیعه است. او در هشت سالگی قرآن را حفظ کرده بود، و در علم اصول شیعه به حدّ نهایی رسید. دانشمندان برای فراگیری علوم به سوی او می‌رفتند. وی در علوم قرآنی و مشکلات حدیث و اخبار و لغت و نحو تبخّر داشته است. او در دوران خلافت مقتفی خلیفه عباسی در بغداد منبر رفت، و موعظه و سخنان و خطابه وی به قدری مورد تحسین خلیفه واقع گشت که خلیفه به او خلعت بخشید، و از وی بسیار تعریف و تمجید نمود.

وی دارای دانش وسیع بود، بیشتر عبادت می‌کرد و همیشه با طهارت بود. ابن ابیطی در کتاب تاریخ خود او را مورد ستایش فراوان قرار داده است.^۱
۲. قاضی القضاة، مجدالدین بن محمد فیروزآبادی (م ۸۱۷ق) در کتاب *البلغة* که در شرح حال علمای نحو و لغت نوشته، پس از نقل سخن صفدی، می‌نویسد:

ابن شهر آشوب دارای تألیفاتی است به نام *الفصول* در علم نحو... و کتاب *المجدیدة* که فواید و گوهرهای بسیاری را در آن گرد آورده است...^۲
۳. حافظ، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) می‌نویسد:

ابن شهر آشوب از بزرگان شیعه است. و ابن ابیطی درباره‌اش گفته است: ابن شهر آشوب به فراگیری علم حدیث اشتغال ورزید و در این راه با بسیاری از علمای حدیث ملاقات نمود. سپس به تحصیل علم فقه پرداخت و در آن به مقام عالی و نهایی رسید، و در علم اصول نیز تتبع بیشتری نموده و به مهارت کاملی دست یافت. و در علوم قرائت و قرآن و تفسیر و ادبیات عرب از دیگران پیشی گرفت.

۱. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴، شماره ۱۷۰۲.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۵۹/۳.

وی وجهه‌ای مقبول داشته و بیانی ملیح و نمکین، و در مورد تمام علوم و معارف اسلامی، متفق و مفترق، مؤتلف و مختلف، فصل و وصل، و فرق بین رجال خاصه و عامه (یعنی اهل سنت و شیعه) کتاب‌هایی تألیف و تصنیف کرده است. و در پیشگاه خدا بسیار خاشع بوده است.^۱

۴. دانشمند معروف، جلال‌الدین عبدالرحمان سیوطی (م ۹۱۱) درباره ابن شهر آشوب می‌نویسد:

... او پیشوای دانشمندان زمان، و یگانه روزگار بود. او در علوم قرآنی (تفسیر و قرائت) و حدیث نیز احاطه کاملی داشت.

وی در تصنیف و تعلیق احادیث و در رجال حدیث، احادیث مرسله، متفق و مفترق، و علوم دیگر، در میان شیعه همانند خطیب بغدادی در نزد اهل سنت است. وی دارای علم و دانش گسترده، و در تمام فنون (و علوم) مهارت داشت.

ابن ابی طی گفته است: دانشمندان حلب، قبل از آنکه ابن شهر آشوب به آن شهر بیاید، هیچ يك فرق بین ابن بطه حنبلی و ابن بطه شیعی را نمی‌دانستند و تشخیص نمی‌دادند، ولی وقتی که ابن شهر آشوب به آن دیار شیعه‌نشین قدم گذاشت، این مطلب را (در میان علمای حلب) مطرح کرد و توضیح داد که ابن بطه حنبلی، با فتح باء است، و ابن بطه شیعی، با ضمّ باء است.^۲

۸. آثار و تألیفات

ابن شهر آشوب در اکثر علوم اسلامی، اعمّ از فقه، اصول، کلام، تفسیر، رجال و... تألیفات ارزنده‌ای دارد، که هر يك در نوع خود مهم و نشانگر مقام والای علمی وی

۱. لسان‌المیزان ۳۵۹/۶، شماره ۷۸۸۹، اعیان‌الشیعه ۸۲/۱، مقدمه معالم‌العلماء، ص ۴.

۲. منظور از ابن بطه شیعی، ابو جعفر محمد بن جعفر بن بطه قمی مؤدب است، و منظور از ابن بطه حنبلی، ابو عبدالله عبیدالله بن محمد بن محمد بن حمدان بن بن بطه عکبری صاحب‌الإبانه (م ۳۸۷ ق) می‌باشد. الکنی و الألقاب، شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳. طبقات‌المفسرین، ص ۹۶، شماره ۱۱۰.

می‌باشد، آثاری که همواره مورد توجه و عنایت عالمان دینی قرار گرفته است، و آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. الأربعون حديثاً

این کتاب در مناقب حضرت زهراء عليها السلام می‌باشد.^۱

۲. الأسباب و النزول على مذهب آل الرسول^۲

این شهر آشوب در معالم العلماء این کتاب را در ردیف آثار خود نام برده است.^۳ ظاهراً این کتاب همان کتاب بیان التنزیل است که نزد علما مه مجلسی موجود بوده و از او در بحار الأنوار^۴ نقل کرده، و اظهار داشته که کتابی کوچک، ولی پر محتواست.^۵ این شهر آشوب این کتاب را در موضوع علوم قرآنی نوشته است.^۶

* أعلام الطرائق في الحدود و الحقائق ← الطرائق في الحدود و الحقائق

۳. أنساب آل ابي طالب^۷

۴. الأوصاف^۸

۱. الذريعة ۴۲۶/۱، شماره ۲۱۸۲، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، ریحانة الأدب ۵۲/۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲.

۲. الذريعة ۱۲/۲، شماره ۳۷، أمل الآمل ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲ به عنوان (أسباب نزول القرآن)، لؤلؤة البحرين ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، ریحانة الأدب ۵۲/۸، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵، روضات الجنات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، ریاض الجنة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۰.

۳. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۹.

۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۴/۴.

۶. طبقات مفسران شیعه ۱۷۶/۲.

۷. تقد الرجال ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، الذريعة ۳۷۸/۲ شماره ۱۵۱۸، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، ریحانة الأدب ۵۹/۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲.

۸. الذريعة ۴۷۶/۲ شماره ۱۸۶۴، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، أمل الآمل ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱، لؤلؤة البحرين ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، ریحانة الأدب ۵۹/۸، ریاض الجنة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۵/۵، روضات الجنات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲.

ابن شهر آشوب این کتاب را در *معالم العلماء* جزء آثار خود نام برده است.^۱
* بیان التنزیل^۲ ← الأسباب و النزول علی مذهب آل الرسول

۵. الجديدة

فیروزآبادی (م ۸۱۷ق) دانشمند و لغت‌شناس بلندپایه اهل سنت در کتاب خود
البلغتة نام این کتاب را ذکر نموده است، و گفته است:

نویسنده آن در این کتاب فوائد بسیاری جمع نموده است.^۳

۶. الحاوي^۴

ابن شهر آشوب این کتاب را در ردیف آثار خود در *معالم العلماء* ذکر نموده است.^۵

۷. الطرائق في الحدود والحقائق

ابن شهر آشوب این کتاب را با همین عنوان در *معالم العلماء* جزء تألیفات خود نام
برده است.^۶

اما شیخ آقا بزرگ تهرانی و دیگران آن را به عنوان *أعلام الطرائق في الحدود
والحقائق* ذکر نموده‌اند.^۷

و صفدی آن را به عنوان *الأعلام والطرائق في الحدود والحقائق* آورده است.^۱

۱. *معالم العلماء*، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۲. *ريحانة الأدب* ۵۹/۸.

۳. *الذريعة* ۹۱/۵ شماره ۳۸۰، خاتمة مستدرک الوسائل ۵۹/۳، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۲/۴،
مقدمه *معالم العلماء*، ص ۳۲.

۴. *الذريعة* ۲۳۶/۶ شماره ۱۳۱۲، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۲/۴، *أمل الآمل* ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱،
لؤلؤة البحرين ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، *ريحانة الأدب* ۵۹/۸، *رياض العلماء وحياض الفضلاء* ۱۲۵/۵،
روضات الجنات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، *رياض الجنة* ۲۱۶/۱ شماره ۳۷، مقدمه *معالم العلماء*، ص ۳۰.

۵. *معالم العلماء*، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۶. *معالم العلماء*، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۲/۴، مقدمه *معالم العلماء*، ص ۲۷.

۷. *الذريعة* ۲۳۹/۲ شماره ۹۵۰، *أمل الآمل* ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، *لؤلؤة البحرين* ص ۳۴۱ شماره
۱۱۲، *ريحانة الأدب* ۵۹/۸، *رياض العلماء وحياض الفضلاء* ۱۲۴/۵، *روضات الجنات* ۲۹۰/۶
شماره ۵۸۵، *رياض الجنة* ۲۱۶/۱ شماره ۳۷.

۸. الفصول

این کتاب درباره علم نحو می‌باشد، فیروزآبادی (م ۸۱۷ق) در کتاب خود *البلغة* از آن نام برده است.^۲

جلال‌الدین سیوطی نیز در *بغیة الوعاة* آن را ذکر نموده است.^۳
صفدی می‌نویسد:

این کتاب درباره علم نحو است، که مؤلف در آن *أمّهات* مسائل را آورده است.^۴

۹. مائدة الفائدة^۵

ابن شهر آشوب در *معالم العلماء* این کتاب را جزء تألیفات خود نام برده است.^۶
صفدی می‌نویسد:

در این کتاب مطالب نادر و کمیاب جمع‌آوری شده است.^۷

۱۰. متشابه القرآن ومختلفه

ابن شهر آشوب در این کتاب آیات متشابه را به ترتیب موضوعی مورد بررسی قرار داده است، و موضوعات آن را اصول عقاید، فقه، اصول فقه، علوم قرآن، ادبیات و غیر آن تشکیل می‌دهد، مؤلف کتاب را در سال ۵۷۰ق به پایان رسانیده است.^۸ از اینکه در برخی نسخ *معالم العلماء* برخلاف نسخه چاپ نجف (ص ۱۱۹

۱. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴، شماره ۱۷۰۲.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۵۹/۳، الذریعة ۲۴۳/۱۶ شماره ۹۶۸.

۳. مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴.

۴. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲.

۵. أمل الآمل ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، لؤلؤة البحرین ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، ریحانة الأدب ۵۹/۸، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵، مقدمه معالم العلماء، ص ۲۷، روضات الجنّات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷. در بعضی منابع «فائدة الفائدة» ثبت شده است.

۶. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۷. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴.

۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

شماره ۷۹۱) از کتاب *متشابه القرآن* مؤلف یادی نشده، می‌توان حدس زد که متشابه القرآن پس از *معالم العلماء* تألیف شده است.^۱

کتاب مذکور در سال ۱۳۶۹ هجری قمری در تهران در دو جلد چاپ شده است، جلد اول در ۲۶۱ صفحه، و جلد دوم در ۲۷۸ صفحه.

در آخر جلد دوم علامه سید هبه‌الدین شهرستانی (م ۱۳۸۶ق) گفتاری پیرامون کتاب دارد که به خلاصه آن اشاره می‌نماییم:

این کتاب گراند قدر دارای سبک و اسلوب زیبا و بیانی رسا و در عصرهای مختلف و شهرها و ممالک اسلامی مورد توجه خاص عالمان و دانشمندان بوده است، شاید نخستین کتاب در موضوع خود می‌باشد، و بر تفسیرهای دیگر امتیاز دارد.

مؤلف این کتاب از قدر و منزلت بلند در زمینه‌های دینی، علمی و ادبی برخوردار است، با اندک مراجعه به کتب تراجم، شخصیت ممتاز وی مشخص می‌گردد.

این کتاب ویژگی‌های فراوان دارد، از جمله:

ویژگی اول: حسن شیوه و نوآوری در تنظیم و ترتیب.

مؤلف علامه و ذوفنون آن، آیات را براساس اولویت و به ترتیب تنظیم کرده، نخست از ابواب توحید و صفات خداوند شروع و سپس عدل و تنزیه خداوند و پس از آن ابواب امامت و سپس معاد را مورد بحث و بررسی قرار داده، و بعد از آن ابواب فقهی و تشریحی را به ترتیب کتب فقهی مطرح کرده، و در آخر، از احکام فقه قرآن، سپس فنون ادبی و عربی سخن گفته است.

ویژگی دوم: حسن اسلوب و سبک بدیع در انتخاب معانی مهم و ارزنده، شعر زیبا، نقل صحیح و نقد بجا.

ویژگی سوم: فصاحت لفظ همراه با بلاغت معنا، با ایجاز و اختصار. لذا بسیار مناسب است که این کتاب نفیس و ارزنده جزو برنامه درسی دانش‌پژوهان و دانشجویان علوم اسلامی قرار گیرد.^۱

علامه نوری می‌نویسد:

نسخه‌ای از کتاب متشابه القرآن در نزد ما می‌باشد، استاد ما شیخ حرّ عاملی آن را به علامه مجلسی اهداء نموده، و در روی آن نسخه، خط آن دو بزرگوار می‌باشد، و این کتاب عجیبی است که نشان‌دهنده تبخّر نویسنده آن است، بزرگان و دانشمندان اهل سنت هم در جلالت قدر و علو منزلت وی اذعان و اعتقاد دارند.^۲

علامه خیر، شیخ آقا بزرگ تهرانی در مورد این کتاب می‌نویسد:

کتاب جالب و شگفت‌انگیزی است که از علم وافر و ادب کامل مؤلف عالیقدرش بازگو می‌کند.

نسخه‌هایی از آن در کتابخانه شوشتری‌ها و کتابخانه شیخ علی آل کاشف الغطاء و کتابخانه مدرسه ملا محمدباقر سبزواری در مشهد مقدّس پیدا می‌شود.^۳

۱۱. المثل في الأمثال^۴

ابن شهر آشوب آن را در معالم العلماء در ردیف آثار خود نام برده است.^۵

۱۲. مثالب النواصب

این کتاب را مؤلف خود در معالم العلماء و در اجازه‌ای که به شاگردش علی بن شعره جامعانی داده، ذکر کرده است، و نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه سپهسالار موجود است.^۶

۱. مقدّمه معالم العلماء، ص ۳۰.

۲. خاتمه مستدرک الوسائل ۵۸/۳.

۳. الدرّیعه ۶۲/۱۹ شماره ۳۳۱.

۴. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵، لؤلؤة البحرین ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، أمل الآمل ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، مقدّمه معالم العلماء، ص ۲۷، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، ریحانة الأدب ۵۹/۸، روضات الجنّات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷.

۵. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۶. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵، سپهسالار ۴۸۹/۵، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، أمل الآمل ۲۸۵/۲، شماره ۸۵۱، مقدّمه معالم العلماء، ص ۲۷.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در مورد این کتاب می‌نویسد:
نسخه خطی این کتاب در خزانه کتب خطی سید ناصر حسینی هندی به
حجم کتاب مناقب آل ابی طالب و نسخه دیگر در تهران در کتابخانه سید
محمد محیط یافت می‌شود.^۱
این کتاب را در سال ۱۳۷۰ مؤسسه قائم آل محمد علیهم‌السلام قم مورد تحقیق و بررسی
قرار داده ولی هنوز چاپ نشده است.
آن مؤسسه می‌نویسد:

این کتاب مجموعه آیات روایات و حکایات و اشعاری است درباره چهره
نهانی ناصبین و قاسطین و مارقین و ناکتین و کسانی که در مقابل پرتو
خورشید حق، خفاش‌گونه به افکار تابش‌های سپیدی آفرین پرداختند و در
کتمان روشنایی‌ها کوشیدند.

وی کتاب را در يك مقدمه به پنج قسم سامان داده و در ختم آن به آراء و
اندیشه‌های یادشگان و زشتی‌ها و کژروی‌های فقهای گمراهی آفرین
و گزارش افکار فرقه‌ها و نحله‌ها پرداخته است، و بدین سان می‌توان گفت
کتابی است تاریخی، اعتقادی، فرقه‌شناسی و کلامی.^۲

۱۳. المخزون المکنون في عيون الفنون^۳

ابن شهر آشوب در معالم العلماء این کتاب را در ردیف تألیفات خود نام برده است.^۴
و در کتاب مناقب آل ابی طالب متذکر شده که دو خطبه بدون الف و بدون نقطه
امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را در «المخزون المکنون» آورده است.^۵

۱. الذریعة ۷۶/۱۹ شماره ۴۰۹.

۲. مجله آینه پژوهش، شماره ۵۰، ص ۶۱.

۳. أمل الآمل ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲، لؤلؤة البحرین ص ۳۴۱
شماره ۱۱۲، ریحانة الأدب ۵۹/۸، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵، روضات الجنات
۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷، مقدمه معالم العلماء، ص ۲۷.

۴. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۵. مناقب آل ابی طالب ۴۸/۲، شرح حال امام علی علیه‌السلام فصل فی المسابقة بالعلم، دائرة المعارف
بزرگ اسلامی ۹۲/۴.

۱۴. معالم العلماء

این کتاب در واقع تلخیصی است از کتاب *الفهرست* شیخ طوسی که زیاداتی بدان افزوده شده است. این اثر یکی از کتاب‌های عمده *فهرست* و رجال شیعه در فاصله سده ۵ تا ۸ق به شمار می‌رود.^۱

این کتاب بنابر تصریح خود ابن شهر آشوب به عنوان *تتمیم* و *تکمیل الفهرست* شیخ طوسی نوشته شده و علاوه بر همه نام‌هایی که در *الفهرست* آمده مشتمل بر نام گروهی از معاصران و متأخران از شیخ نیز هست... در این کتاب نام نود نفر و ششصد کتاب بیش از یادشدگان در *الفهرست* آمده است، در ذیل نام افراد، گاهی به وثاقت یا ضعف آنان و هم به تاریخ وفاتشان اشاراتی رفته و این یکی دیگر از امتیازات این کتاب بر *الفهرست* شیخ است.^۲

ابن شهر آشوب در این کتاب کم‌حجم جمعاً ۱۰۲۱ تن از دانشمندان را نام برده و آنان را همراه با آثارشان به اجمال و گاهی به تفصیل شناسانده است، به جز شعرا که در آخر، فصلی نیز به گزارش نام آنان اختصاص داده است.^۳

مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد:

این کتاب درباره *فهرست کتب شیعه* و اسامی مصنفین قدیم و جدید است. اگرچه شیخ بزرگوار ما ابو جعفر طوسی رحمته الله فهرستی نوشته است که در آن عصر نظیر نداشته، ولی این مختصر دارای مطالب اضافه و فایده‌هایی است که در آن نیست.

بنابراین *معالم العلماء* تتمه *فهرست* شیخ طوسی است. من در این کتاب نزدیک به ششصد کتاب، بیش از کتب موجود در *فهرست* آورده‌ام، و اشاره به کتبی که از *فهرست* وی حذف شده است، نموده‌ام؛ هرچند کتاب‌ها بیش از این‌ها بوده است... بعد از ذکر اسامی مصنفین، اسامی شعرا مشهور اهل بیت علیهم السلام را در حدّ توان و آشنایی آورده‌ام.^۴

۱. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۱/۴.

۲. *چهار کتاب اصلی علم رجال*، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۵۸.

۳. *مقدمه معالم العلماء*، ص ۲۷.

۴. *معالم العلماء*، ص ۲-۳.

این کتاب گرانقدر بار نخست در سال ۱۳۵۳ق به کوشش و تصحیح و مقابله و مقدمه دانشمند فقید مرحوم استاد عباس اقبال آشتیانی در تهران به چاپ رسید، بار دیگر در سال ۱۳۸۰ق با پاورقی و مقدمه مفصل فرزانه گرانقدر جناب سید صادق آل بحر العلوم در ۱۵۳ صفحه در نجف اشرف چاپ شد.

ابواب مباحث این کتاب به ترتیب الفباست، که در هر باب نام اشخاص و شرح حال اجمالی از آنان ذکر می‌شود. باب ۲۲ در معرفی اشخاصی است که با کنیه، لقب یا قبیله و شهر مشهور شده‌اند. آنگاه معرفی کتاب‌هایی که مؤلفان آن‌ها مشخص نیستند. باب ۲۳ مختص بعضی از شعرای اهل بیت علیهم‌السلام است، که آن‌ها را به چهار گروه تقسیم نموده است: مجاهرین، مقتصدین، متقین، متکلفین.

۱۵. مناقب آل ابی‌طالب

معروف‌ترین و گرانقدرترین اثر ابن شهر آشوب همین کتاب و بیشترین شهرت مؤلف نیز به سبب تألیف آن است، به گونه‌ای که کتاب به مناقب ابن شهر آشوب معروف گشته است.

وی در این کتاب، مناقب و فضایل چهارده معصوم علیهم‌السلام را یکایک مورد بحث و شرح قرار داده است.

استاد شهید مطهری درباره کثرت و سابقه مناقب‌نویسی در شأن حضرت امام علی علیه‌السلام می‌گوید:

نه فقط از زبان مسلمین، بلکه از زبان کافر، مسیحی و یهودی، هرکس که يك وجدانی دارد، ستایشگر حضرت علی علیه‌السلام واقع می‌شود. ابن شهر آشوب وقتی که مناقب را می‌نویسد مدعی است الآن که من مناقب را می‌نویسم، هزار کتاب مناقب (مناقب علی علیه‌السلام) وجود دارد.^۱

حال من نمی‌دانم آن کتاب‌ها را هم ابن شهر آشوب در کتابخانه اش داشته، یا لااقل فهرست آن‌ها را داشته است.^۲

۱. این مطلب را شیخ عباس قمی در *تتمه المنتهی*، ص ۳۶۴ نقل کرده است.

۲. *فلسفه اخلاق*، شهید مطهری، ص ۱۱۳.

آری، در مورد تاریخ حیات چهارده معصوم: و مناقب و فضایل آنان کتاب‌های زیادی نوشته شده - چه قبل از ابن شهر آشوب یا بعد از او - ولی هیچ يك از آنها همانند مناقب وی در میان عالمان دین جایگاهی ندارد.^۱

در این کتاب برای اثبات مدّعی خود شواهدی از کتب شیعه و سنی و گفتارهای دانشمندان آنان و شعرای مشهور عرب آورده که از هر جهت حاکی از نبوغ فکری و علمی و وسعت نظر و همّت عالی و شهامت مؤلف بزرگوار است. کسانی که بعد از وی مناقب نوشته‌اند، همگی از مناقب وی سند گرفته‌اند.^۲

این کتاب نخست در سال ۱۳۱۳ق در بمبئی و پس از آن چندین بار در ایران و عراق و لبنان به چاپ رسیده است. به قرینه روایت ابن شهر آشوب از ابوالوقت سجزی تألیف این کتاب اندکی پس از سال ۵۵۳ق در بغداد صورت گرفته است.^۳

عبدالله افندی درباره تاریخ کتابت مناقب می‌نویسد:

از بررسی محتوا و مطالب لابلای کتاب برمی آید که کتابت آن در سال ۵۹۵ق بوده است.^۴

مؤلف به تفصیل در مقدمه به انگیزه تألیف پرداخته است. طبق آنچه در مقدمه مناقب آمده، این کتاب با ذکر مناقب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آغاز می‌شده، سپس به ذکر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌پرداخته، و به ذکر صحابه و تابعین ختم می‌شده است، اما نسخ موجود کتاب با یاد امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام پایان می‌پذیرد.

این احتمال که بخش پایانی کتاب اساساً توسط ابن شهر آشوب تألیف نشده باشد، منتفی است، زیرا وی خود در *معالم العلماء*^۵ به بخش مربوط به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ارجاع داده، و ابن طاووس در *الملاحم*^۶ از آن بخش کتاب قطعاتی نقل کرده است.^۷

۱. مقدمه معالم العلماء، ص ۲۶.

۲. ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۷۲.

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

۴. الفوائد الطریفة، ص ۵۲۷.

۵. معالم العلماء، ص ۱۱۳، شماره ۷۶۵، شرح حال شیخ مفید، که می‌نویسد: امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وی را لقب «مفید» داده، سبب آن را در کتاب مناقب آل ابی طالب بیان نموده‌ام.

۶. الملاحم و الفتن، ص ۳۷۰-۳۷۲.

۷. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

کتاب مناقب توسط حسین بن جبر (یا جبر) تلخیص شده و نخب المناقب نام یافته است.^۱

اوصافی که ابن جبر برای کتاب مناقب آورده، این تصوّر را به وجود می آورد که نسخه مورد استفاده او از حیث ذکر اسناد و تفکیک احادیث کامل تر از نسخه موجود و از نظر حجم مفصل تر از آن بوده است. بر همین پایه علامه نوری در خاتمة مستدرک الوسائل^۲ نتیجه گرفته که نسخه حاضر در واقع همان نخب المناقب ابن جبر یا تلخیص دیگری از مناقب است.

به هر حال با توجه به نقص کتاب مناقب در بخش پایانی، همچنین یافت نشدن برخی از مطالب موجود در نخب (همچون سند جوینی در مورد سند حدیث غدیر) در نسخه حاضر از مناقب، و برخی شواهد دیگر می توان نتیجه گرفت که مناقب حاضر نسبت به متن اصلی نقایصی دارد، ولی مقایسه آن با نسخ نخب المناقب ابن جبر نشان می دهد که کتاب موجود همان نخب المناقب نیست.^۳

علامه نوری می نویسد:

کتاب مناقب که در زمان ما و زمان های گذشته تا عصر علامه مجلسی موجود بوده و می باشد، اصل آن نیست، بلکه مختصر آن است که ابن جبر یا دیگری آن را برگزیده است، کتاب کنونی مناقب تا زندگانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را شرح داده است و شرح حال امام زمان علیه السلام را در آن نمی بینیم و دانشمندان پیش از ما همه مانند علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی چیزی از آن راجع به امام زمان علیه السلام نقل نکرده اند. لذا چه بسا ممکن است توهم شود که ابن شهر آشوب موفق به نگارش این قسمت نشده است، ولی از آنچه در کتاب رجال خود معالم العلماء ضمن شرح حال شیخ مفید (م ۴۱۳ق) نگاشته برمی آید که بخشی از کتاب مناقب در دست ما نیست.

۱. الذریعة ۸۸/۲۴ شماره ۴۶۲، الفوائد الطریفة، عبدالله افندی، ص ۶۰۰-۶۰۲، خاتمة مستدرک الوسائل ۵۷/۳.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۵۷/۳.

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

وی می‌نویسد: امام زمان علیه السلام او را ملقب به مفید کرده است و ما علت آن را در کتاب مناقب آل ابی طالب بیان کرده ایم.^۱

علامه ملا محمدباقر قاینی بیرجندی صاحب کتاب کبریت الأحمر و چندین اثر ارزشمند دیگر و از مشایخ روایتی مرحوم والد رحمته الله نیز در کتاب فوائد کاظمیه به این مطلب تصریح نموده است، وی می‌نویسد:

مناقب ابن شهر آشوب که امروزه در دسترس ما می‌باشد در حقیقت منتخب مناقب است، چنان که سید هاشم بحرانی در مدینه المعاجز از آن تعبیر به منتخب المناقب نموده است، و بعضی از افراد متبحر و صاحب نظر گفته‌اند: اصل مناقب چند برابر مناقب موجود بوده است، و لذا می‌بینیم که علما و دانشمندان شرح حال امام زمان علیه السلام را از آن کتاب نقل می‌نمایند، در حالی که مناقب موجود به شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام پایان می‌یابد.^۲

علامه سید محمدصادق آل بحر العلوم می‌نویسد:

کتاب مناقب آل ابی طالب که الآن در دسترس عموم است از اواخرش معلوم می‌شود که این کتاب مختوم نیست، بلکه بابی دیگر نیز در احوالات حضرت امام زمان علیه السلام می‌باشد که حذف شده است. والله العالم.^۳

۱۶. المنهاج

ابن شهر آشوب این کتاب را در معالم العلماء جزء آثار خود نام برده است.^۵

۱۷. الموالد

۱. معالم العلماء، ص ۱۱۳، شماره ۷۶۵.
۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۳/۵۷-۵۸.
۳. فوائد کاظمیه، نسخه خطی شماره ۳۴۱۵، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۴. مقدمه معالم العلماء، ص ۲۶.
۵. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱، الذریعة ۲۳/۱۵۴، شماره ۸۴۶۷، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، أمل الآمل ۲/۲۸۶، شماره ۸۵۱، لؤلؤة البحرين ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، ریحانة الأدب ۵۹/۸، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۵/۱۲۵، روضات الجنات ۶/۲۹۰، شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة ۱/۲۱۶، شماره ۳۷، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲.

شیخ آقا بزرگ تهرانی به نقل از اقبال سید ابن طاووس این اثر را به ابن شهر آشوب نسبت داده است.^۱

شایان توجه اینکه کتاب‌هایی که ذکر شد ابن شهر آشوب خود اسم بعضی از آن‌ها را در کتاب *معالم العلماء* آورده است، و آن‌هایی که در آنجا متذکر نشده، احتمال دارد که بعد از تألیف *معالم العلماء* نوشته باشد.

نکته دیگر اینکه ظاهراً آثار ابن شهر آشوب بیش از آن است که ذکر شد، زیرا شاگردش ابن ابی طی گفته: «وی در متفق و مفترق، مؤتلف و مختلف، و فصل و وصل تصنیفاتی دارد»،^۲ و علی بن هلال جزائری در سده ۹ آثاری را از وی در معقول و منقول و فروع و اصول می‌شناخته است.^۳

۹. شعر و ادب

ابن شهر آشوب در شعر نیز تبحر داشته، علامه تفرشی درباره وی می‌نویسد: «کان شاعراً بلیغاً منشئاً»^۴ او شاعری توانا و زبردست و ادیبی ماهر بود. و این مطالب از توجه به گزیده‌های شعر موجود در کتاب *مناقب آل ابی طالب* و نیز از خاتمه *معالم العلماء* در ذکر شعرای اهل بیت علیهم‌السلام به خوبی روشن است. وی خود نیز شعر می‌سروده، و اشعاری از او در فضائل *أئمه علیهم‌السلام* به طور پراکنده در کتاب *مناقب آمده است*.^۵

ما در اینجا به عنوان نمونه، دو بیت از اشعار وی را که در مدح و منقبت *أئمه اطهار علیهم‌السلام* گفته است، می‌آوریم:

وَأُمَّتِي مِنْ بَعْدِهِ أَوْلَادُهُ	بَعْدَ النَّبِيِّ أُمَّةٌ لِمَعَاشِرِ
فَبِنُورِهِ مَا شَرَّفُوا وَهَمَّ أَكْبَادُهُ	إِنَّ كَانُ قَدْ شَرَّفَتْ بِهِ أَصْحَابُهُ

۱. الدرر بیعة ۲۳۳/۲۳ شماره ۸۷۷۹. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴ می‌نویسد: با مقایسه گفته ابن طاووس (اقبال، ۵۹۸) با آنچه در مناقب (۴۲۴/۴) آمده، روشن می‌شود که نقل ابن طاووس از مناقب بوده است.

۲. لسان المیزان ابن حجر عسقلانی ۳۱۰/۵، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴.

۳. بحار الأنوار مجلسی ۲۸/۱۰۸-۳۴، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴.

۴. تقد الرجال ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، أمل الآمل ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۳.

۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

۶. مناقب آل ابی طالب ۱۴۸/۴، شرح حال امام سجّاد علیه‌السلام فصل فی معجزاته علیه‌السلام.

بعد از رحلت پیامبر ﷺ مردمان را پیشوایانی بود، اما پیشوایان من بعد از آن حضرت، فرزندان او هستند.

چرا که اگر اصحاب او، به خاطر صحابه بودن، شرافت یافتند، فرزندان وی، هم این شرافت را داشتند و هم جگرپاره‌های او بودند.^۱

۱۰. محل وفات و تاریخ آن

ابن شهر آشوب پس از سال‌ها اقامت در بغداد به حلب — که در آن هنگام در پرتو حمایت حمدانی‌ها از پیشرفته‌ترین مراکز علمی تشیع بود — مسافرت کرد،^۲ و سرانجام پس از گذراندن ۹۹ سال و دو ماه عمر با خیر و برکت در شب جمعه ۲۲ ماه شعبان سال ۵۸۸ در شهر حلب درگذشت، و در جبل الجوشن در نزدیکی محلی مشهور به «مشهد الحسین علیه السلام» در جوار مرقد حضرت محسن ابن ابی عبدالله الحسین علیه السلام به خاک سپرده شد.^۳



۱. ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۸۸-۸۹.

۲. دائرة المعارف تشیع ۳۳۷/۱.

۳. لسان المیزان ۳۹۵/۶ شماره ۷۸۸۹، طبقات المفسرین سیوطی، ص ۹۶ شماره ۱۱۰، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴، الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲، ریحانة الأدب ۶۰/۸، روضات الجنات ۲۹۳/۶ شماره ۵۸۵، اعیان الشیعة ۸۲/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۵. بنابر قولی، ابن شهر آشوب در ایران، شهر بارفروش مازندران، قریه «کنجی زور» دار فانی را وداع نموده و در آنجا به خاک سپرده شده، و الآن هم بر مزارش قبّهای است که مورد زیارت دوستداران اهلبیت علیهم السلام میباشد. «افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۱۲۶». دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴ می‌نویسد: افندی به خطا وفات او را در «مشهد گنج افروز» از قرای بارفروش (بابل) دانسته و اظهار داشته که آرامگاه او در آنجا زیارتگاه مردم است.

کتابنامه

۱. ابن شهر آشوب در حریم ولایت، محمد رحیم بیگ محمدی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول. ۱۳۷۴.
۲. أعيان الشيعة، سيّد محسن امين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق = ۱۹۸۳ م.
۳. أمل الآمل، محمد بن حسن، معروف به «شيخ حرّ عاملی»، بغداد: مكتبة الأندلس.
۴. الأنساب، عبدالکريم بن محمد سمعاني، بيروت: دارالکتب العلمیّة، چاپ اول ۱۴۰۸ ق = ۱۹۸۸ م.
۵. مجار الأنوار، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الإسلامیّة، چاپ چهارم. ۱۳۶۲.
۶. تنمّة المنتهى، شيخ عباس قمی.
۷. چهار کتاب اصلی علم رجال، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای.
۸. خاتمة مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري طبرسي، مؤسسه آل البيت: چاپ اول ۱۴۱۵ ق.
۹. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۰. دائرة المعارف تشييع، زیر نظر احمد صدر حاج سيّد جوادى و...، چاپ اول تهران، بنياد اسلامى طاهر، ۱۳۶۶.
۱۱. الدرعية، شيخ آقا بزرگ تهراني، قم: مؤسسه اسماعيليان.
۱۲. روضات الجنّات، ميرزا محمد باقر خوانساری، قم: مكتبة اسماعيليان، ۱۳۹۰ ق.
۱۳. رياض الجنّة، محمد حسن حسيني زنوزي، كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، چاپ اول ۱۴۱۲ ق = ۱۳۷۰ ش.
۱۴. رياض العلماء وحياض الفضلاء، ميرزا عبدالله افندى اصفهاني، قم: چاپخانه خيام، ۱۴۰۱ ق.
۱۵. ريحانة الأدب، ميرزا محمد علي مدرّس تبريزي، كتابفروشى خيام، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
۱۶. طبقات مفسّران شيعه.
۱۷. طبقات المفسّرین، عبدالرحمان بن ابى بكر سيوطى، بيروت: دارالکتب العلمیّة.
۱۸. فلسفه اخلاق، شهيد مطهرى.

۱۹. الفوائد الطریفه، عبدالله افندی اصفهانی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول ۱۴۲۷ق = ۱۳۸۵ش.
۲۰. فوائد کاظمیه، محمدباقر بیرجندی، نسخه خطی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی. نگر: میراث شهاب، ش ۶۷. مقاله «فوائد از الفوائد الکاظمیه».
۲۱. الکنی والألقاب، شیخ عباس قمی، قم: انتشارات بیدار.
۲۲. لؤلؤة البحرین، یوسف بن احمد بحرانی، مؤسسہ آل البیت علیہ السلام.
۲۳. لسان المیزان، احمد بن علی، مشهور به «ابن حجر عسقلانی»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول ۱۴۱۵ق = ۱۹۹۵م.
۲۴. مجله آینه پژوهش، شماره ۵۰.
۲۵. معالم العلماء، محمد بن علی بن شهر آشوب، نجف اشرف، مطبعه حیدریه، ۱۳۸۰ق = ۱۹۶۱م.
۲۶. الملاحم والفتن، سید علی بن موسی ابن طاووس، اصفهان: مؤسسہ صاحب الامر علیہ السلام چاپ اول ۱۴۱۶ق.
۲۷. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم، مؤسسہ انتشارات علامه.
۲۸. منتهی المقال، محمد بن اسماعیل ابوعلی حائری مازندرانی، مؤسسہ آل البیت علیہ السلام چاپ اول ۱۴۱۶ق.
۲۹. نامه دانشوران.
۳۰. نقد الرجال، سید مصطفی بن حسین حسینی تفرشی، مؤسسہ آل البیت علیہ السلام. چاپ اول ۱۴۱۸ق.
۳۱. الوافی بالوفیات، خلیل بن ایبک صفدی، چاپ ۱۳۸۱ق = ۱۹۶۲م.

